

جایگاه اصل توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل ناظر بر تغییرات اقلیمی

مژده قدوسی^۱

چکیده

اصول توسعه پایدار بطور مستقیم، در میان اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست بیشتر از مفاهیم به چشم می‌خورد. در عین حال با وجود پیشرفت‌های حاصله در خصوص ادبیات توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل، به دلیل اینکه مفاد این اصول عمدتاً در حقوق قوام یافته و عملاً بنابه اذعان اسناد مهم در این زمینه مبنی بر اولویت توسعه اقتصادی بر توسعه زیست‌محیطی و اجتماعی، سیاست‌های توسعه پایدار با مشکلات عملی مواجه شده است و شاهد خلاء قابل توجهی در رویکرد نظری و عملی به توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل توسعه هستیم. در این تحقیق ضمن بررسی اصول در کنار مفاهیم مرتبط با توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، تمهیدات لازم از سوی جامعه جهانی برای مقابله با تغییرات اقلیمی در راستای اهداف توسعه پایدار مورد مذاکره قرار گرفته است. امروزه توسعه پایدار کلید حل اکثر مسائل تغییرات اقلیمی می‌باشد و از اساسی‌ترین موضوعات حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به شمار می‌رود؛ بطوریکه از آن می‌توان بعنوان اصلی‌ترین هدف توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست نام برد. تا حدی که اهمیت توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست باعث شده که جهان شاهد تحول این شاخه حقوقی به حقوق بین‌الملل توسعه پایدار باشد.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، حقوق بین‌الملل، تغییرات اقلیمی، جامعه جهانی

^۱ کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل Mojdeh18th.feb@gmail.com

مقدمه

امروزه کلیه کشورها به درجات مختلف با مساله توسعه مواجه بوده و یکی از اولویت‌ها و رسالت‌های عمده آنها تلاش برای نیل به توسعه می‌باشد. «توسعه در کنار دموکراسی و حقوق بشر یکی از ستون‌های سه‌گانه حقوق بین‌الملل می‌باشد» (بیگزاده، ۱۳۸۱: ۲۳۸). و اهمیت آن تا بدانجاست که در تقسیم‌بندی کشورهای جهان از معیار توسعه استفاده شده و کشورهای جهان به کشورهای توسعه‌یافته^۱، در حال توسعه^۲، کمتر توسعه‌یافته^۳ و توسعه‌نیافته^۴ تقسیم می‌شوند.

واژه توسعه بعد از جنگ جهانی دوم و بالاخص بعد از دهه ۱۹۵۰ در عرصه بین‌المللی مطرح شد و بعنوان ابزاری برای تبیین و تشخیص میزان پیشرفت جوامع انسانی بکار برده شد. «پس از پایان عصر استعمار در اواخر دهه ۱۹۶۰ به تدریج جامعه بین‌المللی به این نتیجه رسید که توسعه عنصر اساسی ارتقاء منافع مشترک است و اهداف دیگر جامعه بین‌المللی تنها زمانی قابل نیل خواهند بود که افراد در کل جوامع بشری به سطح قابل قبولی از توسعه دست یافته باشند» (ساعده، ۱۳۸۴: ۲۱۹). توسعه در بدو طرح آن در دهه ۱۹۶۰ از پیچیدگی امروزی به دور بود و تنها الگویی برای حرکت جوامع مختلف برای نیل به رشد اقتصادی بالا و ویژگی‌های کشورهای توسعه‌یافته جهان شامل کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی بود که اکثریت مردم آنجا از استانداردهای بالای زندگی برخوردار بودند.

از اواخر دهه ۱۹۸۰، پارادایم جدیدی در عرصه توسعه تحت عنوان توسعه پایدار شکل گرفته است. مفهوم توسعه پایدار داری سه بُعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است. در بعد زیست‌محیطی، تامین و تضمین حق توسعه اقتصادی و اجتماعی بایستی بنحوی باشد که با اصول و قواعد اساسی زیست‌محیطی منطبق باشد. توسعه‌ای که متضمن رعایت اصول و قواعد زیست‌محیطی نباشد در تحلیل نهایی توسعه‌ای موقت، گذرا و ناپایدار خواهد بود. در واقع توسعه پایدار عبارت است از الگوی توسعه فناورانه اقتصادی و اجتماعی که مطابق با الزامات زیست‌محیطی باشد. این مفهوم حق دولت‌ها بر توسعه اقتصادی و اجتماعی را در کنار تعهداتشان به رعایت قواعد زیست‌محیطی مطرح می‌سازد.

در حال حاضر جامعه جهانی مشارکت و همکاری لازم با هدف ایجاد زمینه لازم برای بهره‌مندی نسل حاضر و آینده بشری از حق برخورداری از محیط‌زیست سالم و تضمین امنیت زندگی بر روی کره زمین و همچنین ایجاد بسترهای مناسب برای دستیابی به توسعه پایدار را فراهم آورده است. حق برخورداری از محیط‌زیست سالم و حق بهره‌مندی از توسعه که البته تحقق همزمان آنها مستلزم توسعه پایدار است، یکی از جلوه‌های

¹ Developed Countries

² Developing Countries

³ Under Developed Countries

⁴ Least Developed Countries (LDCs)

حیثیت و کرامت انسان تلقی می‌شود که مکمل حقوق بشر برای نسل حاضر و شرط تحقق آن برای نسل‌های آینده، می‌باشد. در پرتو حق داشتن محیط‌زیست سالم و متعادل، افراد و اجتماعات بشری، حق دارند از محیط‌زیستی مساعد برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی برخوردار گردند، که این امر تحقق نمی‌یابد جزء از طریق توسعه پایدار. به همین منظور جامعه جهانی باید با شرایطی که محیط‌زیست را دچار تغییرات نامساعد می‌کند که مهمترین آن فعالیت‌های انسان برای توسعه، بدون در نظر گرفتن اصول توسعه پایدار است، مقابله نماید. در این راستا همکاری‌های جهانی در پرتو تشکیل کنفرانس‌ها و اجلاس‌های بین‌المللی و منطقه‌ای لازم و ضروری به نظر می‌رسد. یکی از مقولاتی که محیط‌زیست را در دنیای کنونی مورد تهدید قرار داده و حاصل توسعه ناپایدار جامعه بشریست، تغییرات اقلیمی می‌باشد. در حال حاضر شواهد اساسی وجود دارد که فعالیت‌های انسان بر تراکم گازهای گلخانه‌ای که بزرگترین عامل تغییرات اقلیمی است، بسیار تأثیرگذار هست.

با نظر به مطالب ذکر شده، هدف از نگارش مقاله حاضر ارزیابی جایگاه اصل توسعه پایدار در نظام حقوق بین‌الملل ناظر بر تغییرات اقلیمی است. در واقع، محقق بر آنست تا به منظور درک بهتر از مفهوم توسعه پایدار به ذکر اصول و مفاهیم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در رابطه با توسعه پایدار و تمهیدات جامعه بین‌المللی برای مقابله با تغییرات اقلیمی بپردازد.

۱- توسعه و توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل

اگرچه حقوق بین‌الملل توسعه بعنوان یک شاخه مستقل حقوق بین‌الملل بعد از جنگ جهانی دوم ظاهر شده است، ولی تا به امروز توافق دقیقی در خصوص محتوی آن وجود نداشته است. حقوق بین‌الملل توسعه صرفاً بعنوان حقوق مرتبط با توسعه بین‌المللی قلمداد نمی‌شود. این حق شامل نه تنها حق بر توسعه، بلکه همچنین شامل مواردی نظیر حاکمیت دائمی روی منابع طبیعی، توسعه پایدار، موافقت‌نامه‌های تجارت جهانی و ... می‌باشد (Sucharitkul, 1991: 5). کارکرد حقوق بین‌الملل توسعه که با حقوق و تعهدات کشورها و سایر بازیگران بین‌المللی در فرایند توسعه ارتباط دارد، تامین نیازهای توسعه‌ای خاص دنیای درحال توسعه از طریق ایجاد یک سری استانداردهای هنجاری دوجانبه در روابط اقتصادی بین‌المللی در میان کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته و همچنین میان کشورهای با سطوح مختلف توسعه در میان کشورهای درحال توسعه می‌باشد. بنابراین حقوق بین‌الملل توسعه دربردارنده استانداردهای هنجاری متفاوت به لحاظ سطح توسعه بوده و منجر به تکثر هنجاری می‌شود (Maniruzzaman, 2012: 42-43). با این حساب تعاریف مختلفی از حقوق بین‌الملل توسعه می‌تواند مطرح باشد. در یک تعریف، حقوق بین‌الملل توسعه عبارت است

از؛ "مجموعه‌ای از مقررات، اصول و قواعد با ماهیت فراملی که فعالیت‌های فرامرزی مرتبط با توسعه را دربر می‌گیرد" (Wang, 2006: 1).

در تعریفی دیگر، حقوق بین‌الملل توسعه شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل است که با کنترل و تنظیم بین‌المللی ابعاد توسعه ملی و همچنین توسعه منابع مشترک جامعه جهانی (میراث مشترک بشریت) مرتبط می‌باشد (Sucharitkul, Ibib: 3). در این تعریف حقوق بین‌الملل توسعه جزئی از حقوق بین‌الملل عمومی است^۱ که صرفاً دربردارنده تلاش‌ها و همکاری دولت‌ها برای گنجاندن استانداردهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در منشور سازمان ملل متحد و اسناد حقوق بشری می‌شود. بطور کلی اتفاق نظری میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در خصوص محتوی و کارکرد حقوق بین‌الملل توسعه وجود ندارد. کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را بعنوان حق دریافت مساعدت جهت نیل به سطح توسعه قابل قیاس با سطح کشورهای توسعه‌یافته می‌دانند در حالیکه کشورهای توسعه‌یافته چنین تعریفی را قبول ندارند (هوهن فلدن، ۱۳۸۴: ۱۲).

فارغ از تعاریف متفاوت، در هرگونه تجزیه و تحلیل از حقوق بین‌الملل توسعه و تأثیر آن روی سایر شاخه‌های حقوقی بایستی به وابستگی متقابل فزاینده یا جهانی شدن توجه شود. چراکه ایجاد و توسعه حقوق بین‌الملل توسعه نتیجه همبستگی فزاینده در میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه یا همان جهانی شدن و ادغام مسائل اقتصادی بین‌المللی است. از این‌رو پیشبرد اهداف حقوق بین‌الملل توسعه مستلزم تلاش‌های جمعی، همکاری فعال و عملیات مشترک توسط همه جوامع بین‌المللی اعم از دولتی و غیردولتی می‌باشد. حقوق بین‌الملل توسعه بعنوان یک نظم حقوقی جدید به شکل اصول بنیادین و اصول قانونی ماهوی است که هنوز در حال تکامل بوده و به خاطر اینکه تلاشی در راستای ترمیم بی‌عدالتی زیاد گذشته نسبت به محروم‌ترین ملل جهان می‌باشد عنصری برای تجدید حیات حقوق قلمداد می‌شود (امیرارجمند، ۱۳۷۲: ۴۴۵).

در اینجا لازم است مفهوم پایداری در اصطلاح توسعه پایدار بیشتر روشن شود. اولاً؛ همه پدیده‌های «ثابت» به دو دلیل ناپیوستگی با مفهوم «پایداری» یکی تلقی شوند. مفهوم اجتماعی طبیعتاً همواره در حال تغییر و تحول هستند. مطمئناً تثبیت متغیرها و ماهیت متحول پدیده‌های اجتماعی هم غیرممکن و هم نامطلوب است. ثانیاً؛ توسعه نیز ماهیتاً نمی‌تواند ثابت قلمداد شود. توسعه ذاتاً با تغییر و تحول مثبت همراه است. لذا

^۱ حقوق بین‌الملل توسعه، شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل عمومی است. در واقع هیچ قاعده حقوق بین‌الملل توسعه نمی‌تواند بدون سیستم از پیش موجود نظم حقوقی بین‌المللی مبتنی بر قواعد حقوق بین‌الملل عمومی ایجاد شود. نه قوانین دولتی و نه جامعه بین‌المللی نمی‌تواند قواعد مربوطه به حقوق توسعه را بدون اصول بنیادین حقوق بین‌الملل عمومی در ارتباط با حاکمیت ایجاد نمایند. از این‌رو وجود و توسعه حقوق بین‌الملل توسعه در چارچوب حقوق بین‌الملل عمومی بعنوان یک شاخه آن قابل تصور است. حقوق بین‌الملل عمومی بعنوان تدارک کننده منابع مادی حقوق بین‌الملل توسعه منابع مادی رشد و توسعه آن را نیز فراهم می‌سازد. به طوری که در حلال وجود قواعد خاص قواعد عام حقوق بین‌الملل عمومی مورد لحاظ قرار می‌گیرد.

پایداری می‌تواند به معنای فرایند مداوم و مستمر بهبود سیستم اقتصادی- اجتماعی و زیست‌محیطی تعریف شود. برای رفع این ابهام برخی معتقدند که بایستی به جای توسعه پایدار از اصطلاح پایداری توسعه استفاده نمود (Steger, 2005: 25).

توسعه پایدار به لحاظ اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و... قابل تعریف می‌باشد (Atmanand, 2009: 2). مطابق با رویکرد زیست‌محیطی؛ پایداری عبارت است از عدم کاهش کیفیت زیست‌محیطی در بلند مدت و مطابق با رویکرد اقتصادی؛ عبارت است از عدم کاهش رفاه فردی در بلند مدت (Fiore, 2002: 6). اما متداول‌ترین و تثبیت شده‌ترین تعریف از توسعه پایدار تعریفی است که کمیسیون برونتلند^۱ ارائه نموده است. برطبق تعریف کمیسیون برونتلند توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای نسل حاضر را بدون لطمه به توانایی نسل‌های آتی در تأمین نیازهای خود برآورده سازد (Our Common Future, 1986: 27).

البته برخی نویسندگان این تعریف «کلاسیک» را که برای مشکلات زیست‌محیطی جهانی ارائه شده ولی مستقیماً اشاره‌ای به حمایت زیست‌محیطی نکرده است بی‌ارزش می‌دانند و برخی دیگر ادعا می‌کنند که این تعریف برای کسب وضعیت هنجاری در حقوق بین‌الملل مبهم است. بنابراین اگرچه تعریف کمیسیون برونتلند از توسعه پایدار در حوزه مباحث عمومی و آکادمیک خیلی تأثیرگذار بوده است، مستلزم شفاف‌سازی است. چراکه پایداری تنها یک مفهوم توصیفی نیست، که صرفاً واقعیت‌هایی درباره موضوع خاص مطرح کند، بلکه بایستی نظرات هنجاری درخصوص اینکه ما چه چیزی را، چقدر و برای چه کسانی بایستی پایدار نمایم نیز ارائه نماید (Taeb, 2011: 132). به هر حال اهمیت تعریف کمیسیون برونتلند از توسعه پایدار همین بازگذاشتن گزینه‌های احتمالی و توسعه‌های ممکن و نه مسدود نمودن آنهاست (IAEA, 2000: 4).

در تعریف دیگری که توسط انجمن حقوق بین‌الملل ارائه شده است توسعه پایدار عبارت است از حق همه موجودات بشری به استانداردهای کافی زندگی بر مبنای مشارکت فعال، واقعی و آزادانه در فرایند توسعه و در تقسیم عادلانه منافع ناشی از آن (ILA, 2002: 211). موسسه بین‌المللی توسعه پایدار، توسعه پایدار را بعنوان رفاه زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی برای امروز و فردا توصیف کرده است (IISD, 2012: 2). «کنوانسیون همکاری در زمینه حمایت و توسعه پایدار محیط‌زیست دریائی و ساحلی پاسفیک شمال شرقی ۲۰۰۲»^۲ نیز در ماده (آ) (۱) ۳ مقرر می‌دارد: توسعه پایدار عبارت است از؛ فرایند تغییر مترقیانه در کیفیت زندگی موجودات بشری، بعنوان هسته اصلی و تابعان اصلی توسعه، بوسیله ابزارهای رشد اقتصادی همراه با

¹ Brontland Commission

² The 2002 Convention for Cooperation in the Protection and Sustainable Development of the Marine and Coastal Environment of the Northeast Pacific, Antigua, Guatemala, 18 February 2002. Available Online: http://www.Cep.Unep.Org/Services/Nepregseas/Convention_English_Nep.DocLast

کیفیت اجتماعی و تغییر شکل روش‌های تولید و الگوهای مصرف پایدار شده از طریق برقراری تعادل زیست‌محیطی و سیستم‌های حمایتی زندگی منطقه‌ای.

با اینکه بیش از ۲۰۰ تعریف از توسعه پایدار در طول ۲۵ سال از طرح آن توسط کمیسیون برون‌تلند ارائه شده است این مفهوم همچنان مبهم است (Steger, Ibid: 27). حقوق بین‌الملل ناظر بر توسعه پایدار هنوز مبهم بوده و در جریان تعریف‌های بیشتر قرار دارد (Second Preparatory Committee, 2002: 1). به هر صورت فارغ از تعریف‌های مطروحه، هدف اساسی توسعه پایدار حفظ یا افزایش دارائی‌های عمومی بشری یا اجتماعی موجود اعم از طبیعی و مصنوعی برای نسل‌های آتی است، در این برداشت توسعه از سمت «رشد پایدار»^۱ به سمت «رشد پایدار شده»^۲ در حرکت است.

علیرغم اینکه در خصوص مفهوم و قلمرو دقیق توسعه پایدار در میان کشورها اتفاق نظر جامعه وجود ندارد، امروزه بعنوان مفهومی قلمداد می‌شود که واجد مشخصه‌های کلی زیر است:

(۱) ارتباط نزدیک میان اهداف خط مشی توسعه اقتصادی و اجتماعی و حمایت زیست‌محیطی؛

(۲) تلقی حمایت زیست‌محیطی بعنوان یک حق لاینفک هرگونه اقدام توسعه‌ای؛

(۳) ملاحظه بلند مدت اهداف خط‌مشی بعنوان مسئولیت فرانسلی دولت‌ها. در یک برداشت کلی اصطلاح حقوق توسعه پایدار به یک مجموعه در حال ظهور از اسناد و اصول حقوقی بین‌المللی اشاره دارد که تعامل میان حقوق اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را در نیل به منافع نسل‌های حاضر و آتی تامین می‌نماید. نکته قوت مفهوم توسعه پایدار در دلالت ضمنی آن بر این واقعیت است که توسعه اقتصادی و حمایت زیست‌محیطی بطور متقابل مقوم یکدیگر بوده و هدفش ارائه یک راهکار عملی برای رفع تعارض سنتی میان این حوزه‌هاست.

۸۴

۲- رویکرد اصل توسعه پایدار

اصل توسعه پایدار بعنوان یک اصل پیشرو و بنیادین در حقوق بین‌الملل توسعه و محیط‌زیست به لحاظ ماهوی دارای اصول، ابعاد و اجزائی می‌باشد که در ترسیم و تبیین ایده کلی توسعه پایدار و نحوه تعاملات آن با سایر حوزه‌های حقوق بین‌الملل واجد اهمیت است. در این گفتار به ترتیب به بررسی این موارد پرداخته می‌شود.

¹ Sustainable Growth

² Sustained Growth

۲-۱- اجزاء و اصول توسعه پایدار

اجزاء توسعه پایدار به دو دسته عناصر هنجاری و شکلی قابل تقسیم است. گروه اول شامل آن عناصری است که به نظر می‌رسد در مفهوم توسعه پایدار ذاتی است. این اصول شامل حق فرانسلی و بین‌نسلی، اصل استفاده پایدار، اصل ادغام محیط‌زیست و توسعه می‌شود. دسته دوم شامل عناصر شکلی مثل حق بر اطلاعات، حق بر مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری، ارزیابی‌های زیست‌محیطی و حق بر جبران خسارت کافی می‌باشد. از این‌رو اصل توسعه پایدار هم دارای عناصر هنجاری می‌باشد که بنیان‌های آن را شکل می‌دهد و هم یک سری اصول شکلی که نحوه اجرای آن اصول هنجاری را فراهم می‌سازد.

درخصوص اصول هنجاری توسعه پایدار که نقطه آغازی برای پیشبرد سطح بین‌المللی توسعه پایدار می‌باشد اختلاف نظرهایی وجود دارد. برای مثال؛ انجمن حقوق بین‌الملل یک مجموعه‌ای از اصول حقوق بین‌الملل برای توسعه پایدار را فراهم ساخته است که در بردارنده هفت اصل هنجاری مهم زیر می‌باشد:

- ۱) تعهد دولت‌ها به تضمین استفاده پایدار از منابع طبیعی؛
- ۲) انصاف و ریشه‌کنی فقر؛
- ۳) مسئولیت مشترک اما متفاوت؛
- ۴) دیدگاه احتیاطی به سلامتی بشر، منابع طبیعی و اکوسیستم‌ها؛
- ۵) مشارکت عامه و دسترسی به اطلاعات و عدالت؛
- ۶) حکمرانی مطلوب؛
- ۷) وحدت و همبستگی به‌ویژه در ارتباط با حقوق بشر و اهداف اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی (ILA Res, 2002: 211).

اما این الگو در دکتترین بنحو دیگری بوده است. متخصصین حوزه توسعه پایدار دیدگاه دیگری درخصوص اصول اساسی توسعه پایدار دارند. فیلیپ ساندز ابعاد توسعه پایدار را به شرح زیر می‌داند:

- ۱) وحدت محیط‌زیست و توسعه؛
- ۲) استفاده منصفانه از منابع طبیعی؛
- ۳) استفاده پایدار از منابع طبیعی؛
- ۴) لحاظ منافع نسل‌ها (Sands, 2003: 256-266).

فارغ از تعداد و عناوین اصول مطروحه در اسناد بین‌المللی و دکتترین، همه اصول مطروحه با همدیگر همبستگی و تعاملات متقابل دارند. به عبارت دیگر؛ آنها یک سیستم یا برنامه منسجم برای ایجاد یک جامعه پایدار مطلوب بشری ایجاد می‌نمایند (Ministerial Declaration, 2001: 65). با توجه به اینکه اصول مزبور

در پیوند با یکدیگر و در پرتو نحوه ارتباط ابعاد مختلف توسعه پایدار با یکدیگر زمینه‌های نیل به توسعه پایدار را فراهم می‌سازند، شناسائی و تبیین نحوه تعامل ابعاد مختلف توسعه پایدار حائز اهمیت است.

۲-۲- چالش تعامل ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار

تا اواخر قرن بیستم این باور مطرح بود که توسعه می‌تواند به هر قیمت و بدون لحاظ سایر اولویت‌ها حاصل شود و از این حیث هیچ مانعی بر سر راه توسعه قابل تصور نیست. این وضعیت حاکی از نگاه تک بُعدی اقتصادی به مقوله توسعه بود که به قیمت نادیده انگاری سایر مولفه‌های توسعه پایدار تمام می‌شد (طلائی، ۱۳۹۰: ۲۰۴). این در حالی است که به تدریج این باور دستخوش تحول شد بنحوی که برطبق اسناد سازمان ملل متحد امروزه توسعه پایدار در بردارنده سه بعد اساسی اقتصادی، اجتماعی^۱ و زیست‌محیطی می‌باشد. لذا توسعه‌ای که تنها به قصد تامین رشد اقتصادی باشد نهایتاً نمی‌تواند به توسعه پایدار منجر شود. توسعه پایدار همانند مثلی است که اضلاع سه‌گانه آن توجه همزمان به اقتصاد، حقوق بشر و محیط‌زیست است. در واقع «سه قطب اصلی پایداری در مفهوم توسعه پایدار عبارتند از: مردم (بعد اجتماعی)، کره زمین (بعد زیست‌محیطی) و سود (بعد اقتصادی)» (Nuttall, 2003: 2). به این ترتیب، پیش شرط‌های تحقق توسعه پایدار، توسعه اقتصادی، توجه به استانداردها و سیستم‌های حمایت از محیط‌زیست و نهایتاً احترام به حقوق بشر است (شهبازی، ۱۳۸۹: ۱۲۹). امروزه چالش اساسی برای سیاست‌های توسعه پایدار، پذیرش تعامل این سه بعد و تنظیم تعادل لازم میان آنهاست.

در چارچوب مفهوم توسعه پایدار ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی به دلیل روابط تنگاتنگ و تعاملات گسترده به صورت یک پیکره واحد یا نظام یکپارچه عمل کرده یا واکنش نشان می‌دهند. بطور مثال «تقریباً هیچ فعالیت اجتماعی بدون تاثیرگذاری در قلمرو اقتصادی نخواهد بود و هیچ فعالیت اقتصادی بدون تاثیرگذاری در قلمرو اجتماعی و زیست‌محیطی نخواهد بود» (Strange & Bayley, 2008: 25). این مسأله دلالت بر این دارد که مثلاً برای ارتقاء جایگاه محیط‌زیست بایستی تا حدودی از موضعات اقتصادی گذشت و بر عکس. البته حل این مسأله خیلی هم آسان نیست چراکه «نیل به توسعه پایدار به لحاظ سیاسی حساس و به لحاظ اقتصادی مشکل است» (Laitos & Tomain, 1992: 435). از این رو دولت‌ها با چالش پیچیده‌ای در یافتن تعادل مطلوب میان تقاضای فزاینده به استفاده از منابع طبیعی و اجتماعی بدون قربانی کردن پیشرفت اقتصادی مواجه هستند. دولت‌ها وسوسه می‌شوند همیشه اولویت‌های توسعه‌ای را بر ملاحظات

^۱ بعد اجتماعی در نتایج نشست جهانی در خصوص توسعه پایدار سال ۲۰۰۲ که منجر به صدور اعلامیه اجرائی ژوهانسبورگ شد مورد تأکید واقع شده است. در این اجلاس نیاز به ترویج ادغام کامل اهداف توسعه پایدار در برنامه‌ها، سیاست‌ها و نهادهایی که تمرکز اصلی‌شان روی موضوعات اجتماعی بود در راستای توجه هرچه بیشتر به ابعاد اجتماعی توسعه مطرح شده است.

زیست محیطی ترجیح دهند. اگر دولت‌ها بتوانند میان ابعاد اقتصادی و زیست محیطی توسعه تعادل ایجاد کنند آن وقت توسعه و محیط زیست نه تنها مغایر هم نخواهند بود بلکه مکمل هم نیز خواهند بود. این همان ایده توسعه پایدار است. توسعه اقتصادی اگر به درستی صورت گیرد مشکلی برای پایداری محیط زیست ایجاد نمی کند. در عین حال اتخاذ خط مشی های مطلوب برای حفاظت از محیط زیست هم مانع توسعه اقتصادی نخواهد بود (مولدن و بیلهارز، ۱۳۸۱: ۶۷). اما توسعه اقتصادی که محیط زیست را تخریب نموده یا منجر به استفاده گسترده از منابع طبیعی به ضرر نسل های آتی شود توسعه پایدار نخواهد بود (Subedi, 2006: 30).

به نظر می رسد در حالیکه مفهوم و ایده توسعه پایدار، که به زعم برخی مهمترین موضوع عصر ماست، بطور گسترده مورد قبول واقع شده و پیشرفت های قابل توجهی در این زمینه حاصل شده است، هنوز نیل به توسعه پایدار و وحدت سه حوزه توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حمایت زیست محیطی با چالش مواجه است (Bradbrook & others, 2016: 46). بسیاری از نشست های مهم سازمان ملل در خصوص توسعه پایدار منجر به اتخاذ یکسری سیاست ها و اسناد کلی شده و از بحث دقیق در خصوص چگونگی نیل به پایداری بیشتر اجتناب ورزیده اند. دلایلی که منجر به تحقق کمتر از حد مورد انتظار توسعه پایدار شده است عبارتند از:

۱) توسعه پایدار علیرغم تکرار فزاینده در ادبیات حقوق بین الملل، به منظور تبیین و اجرا خیلی مبهم است؛

۸۷

۲) توسعه پایدار به جای اینکه تجلی همزمان سه حوزه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی باشد اساساً مفهوم زیست محیطی یافته است؛

۳) توسعه پایدار در اسناد مختلف با موضوعات و زمینه های متفاوت و رقیب آمده است؛

۴) الگوی غالب توسعه همچنان رشد اقتصادی است؛

۵) کشورهای توسعه یافته با عدم ایفاء تعهدات خود در قبال کشورهای در حال توسعه فضای بی اعتمادی را ایجاد نموده اند؛

۶) توسعه پایدار قادر به یافتن نقطه آغاز برای شروع پیشرفت واقعی نبوده است.

راهکارهای متعددی می توان برای ارتقاء جایگاه اصل توسعه پایدار ارائه نمود. برخی از این راهکارها جامع بوده و همزمان توجه کافی به ارتقاء ابعاد سه گانه توسعه پایدار دارند، در حالیکه برخی از آنها با لحاظ همبستگی ارکان سه گانه توسعه پایدار صرفاً در راستای ارتقاء هر یک از ارکان می باشد. راهکارهای زیر می تواند بعنوان یک سری راهکارهای جامع در نیل به توسعه در کلیه ابعاد آن موثر باشد:

۱) عدم تلقی توسعه پایدار بعنوان یک موضوع صرفاً زیست محیطی؛

۲) حرکت به سمت اقدام عملی با مسئولیت پذیری واقعی؛

- (۳) تشویق شفافیت و مسئولیت‌پذیری در اقدامات؛
 (۴) استفاده از مشارکت میان دولت‌ها، بخش‌های تجاری و جامعه مدنی؛
 (۵) برقراری ارتباط موثر فرایندها، برنامه‌ها و موفقیت‌های توسعه پایدار (Drexhage & Murphy, 2010: 13).

اما راهکارهای ذیل با تاکید بر رابطه همبستگی میان سه رکن اساسی توسعه پایدار، صرفاً از زاویه زیست-محیطی به مقوله توسعه پایدار نگریده و از این زاویه برای آن راهکارهایی ارائه نموده‌اند. چالش در امکان تحقق توسعه پایدار زیست‌محیطی منجر به ظهور نهضتی موسوم به جنبش زیست‌محیطی شده است که ثابت نموده است که برای حفظ تعادل زیست‌محیطی و پیشگیری از بروز تعارض میان ابعاد سه‌گانه اقدامات زیادی می‌توان در چارچوب توسعه پایدار انجام نمود (Paraschivescu & Radu, 2011). در راستای نیل به توسعه پایدار زیست‌محیطی اقدامات اتخاذی بیستی هفت عامل زیر را در نظر داشته باشند:

- (۱) وجود ارزش‌های اساسی و قواعد اخلاقی؛
- (۲) ارتباط و همبستگی کامل حقوق محیط‌زیست در همه سطوح (ملی، منطقه‌ای و جهانی)؛
- (۳) ابتناء حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به علوم و تکنولوژی؛
- (۴) پیوند کامل و کافی حقوق محیط‌زیست با سایر شاخه‌های حقوق بین‌الملل؛
- (۵) احترام به زندگی و فرهنگ طبیعی برای ارتقاء درک میان جوامع مختلف؛
- (۶) ایجاد سیستمی برای دفع مواد زاید و استفاده مجدد از آنها توسط حقوق محیط‌زیست؛
- (۷) رویکرد جدید در حمایت از محیط‌زیست مشترک نظیر مدیریت حمایت از اکوسیستم (Cao, 2006).

۳- دستیابی به توسعه پایدار، ارتباط با اصل مسئولیت مشترک و کمیسیون آب و هوایی

محیط‌زیست و طبیعت همواره در طول تاریخ، همزاد و همراه حیات بشری بوده است. توجه به این موهبت خدادادی و حفاظت از آن در کنار برآورده شدن نیازهای انسانی، دوره‌هایی از فراز و فرود را تجربه کرده و در مجموعه اندیشه بشری، به عنصری اساسی بدل شده است. در این میان، عبارت «توسعه پایدار» جای خود را به‌عنوان یک مفهوم جامع توسعه‌ای زیست‌محیطی داده است.^۱

از زمان کنفرانس سازمان ملل با عنوان توسعه و محیط‌زیست که در سال ۱۹۹۲ میلادی در ریو برگزار شد، عنوان «توسعه»، به یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین کلمات در مباحثات تبدیل شده است. در این سال در «کنفرانس زمین» توسعه پایدار چنین تعریف شد: «رفع نیازهای نسل حاضر بدون مصالحه با نسل‌های آینده»

^۱ <http://www.sustainabledevelopment.ir>

در راستای تأمین نیازهایشان». همچنین کمیسیون جهانی محیط زیست، توسعه پایدار را اینگونه تعریف می کند: "توسعه پایدار فرایند تغییری است در استفاده از منابع، هدایت سرمایه گذاری ها، سمت گیری توسعه تکنولوژی و تغییری نهادی است که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد" (عبداللهی، ۱۳۸۹: ۲۰۸).

کمیسیون «برانتلند» درباره توسعه پایدار می گوید: "توسعه پایدار بعنوان یک فرایند، لازمه بهبود و پیشرفت وضعیت و از میان بردن کاستی های اجتماعی و فرهنگی جوامع پیشرفته است و باید موتور محرکه پیشرفت متعادل، متناسب و هماهنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمامی جوامع، به ویژه کشورهای درحال توسعه باشد."^۱

از تحلیل و بررسی تعاریف ارائه شده در اسناد زیست محیطی در می یابیم که پایداری منابع طبیعی و هم چنین پایداری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از اهداف توسعه پایدار می باشد. در حقیقت توسعه پایدار تنها بر جنبه زیست محیطی اتفاقی تمرکز ندارد بلکه به جنبه های اجتماعی و اقتصادی آن هم توجه می کند. توسعه پایدار محل تلاقی جامعه، اقتصاد و محیط زیست است؛ و انسان را نمی توان جدای از ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی در نظر گرفت.

این مساله با دیدگاه دو قرن گذشته انسان که برپایه جدایی موضوعات محیطی و اجتماعی و اقتصادی شکل گرفته بود در تضاد است. در دو قرن گذشته، این تصور حاکم بود که محیط بطور عمده بعنوان یک عامل ۸۹ خارجی و تنها برای استفاده و استثمار انسان در نظر گرفته می شد. در این دیدگاه، ارتباط انسان و محیط، به صورت غلبه انسان بر طبیعت بوده و بر این باور استوار بود که دانش و فناوری بشر می تواند بر تمام موانع محیطی و طبیعی برتری یابد. این دیدگاه مرتبط با توسعه سرمایه داری و انقلاب صنعتی و علم مدرن می باشد. همانطور که بیکن یکی از پایه گذاران علم مدرن، آن را مطرح می کند: جهان برای بشر ساخته می شود و نه بشر برای جهان (پوراصغر سنگاچین، ۱۳۹۴: ۷).

دیدگاه توسعه پایدار برپایه مدیریت منابع طبیعی است که با بیان خود تصدیق می کند، بشر نیاز به منابع طبیعی دارد و این منابع می بایست به جای استفاده سریع و بدون برنامه، به درستی مدیریت شوند تا حداکثر استفاده از آنها طی سالیان طولانی میسر گردد. همچنین علم اقتصاد بر موضوع ارتباط انسان و رشد اقتصادی تأکید دارد که در نتیجه آگاهی و استفاده از آن، موجب افزایش تولیدات، بعنوان یک اولویت مطرح می گردد. این نگرش کلیدی می تواند برای ایجاد رفاه در زندگی بشر همچون از طریق رشد اقتصادی، فقر و تهی دستی را از میان بردارد.

^۱ ۲۰ ریو + کنفرانس سازمان ملل متحد در زمینه توسعه پایدار ژوئن ۲۰۱۲.

یادآوری می‌شود که ریشه‌کنی فقر و توسعه اقتصادی از پایه‌های اساسی، مفهوم توسعه پایدار می‌باشد لذا دولت‌های در حال خواستار ریشه‌کنی فقر هستند که به دنبال خود افزایش توان تکنولوژی، استفاده مطلوب و بهینه از منابع طبیعی، توسعه نیروی انسانی کارآمد که توأمان به دستیابی به توسعه پایدار منجر خواهد شد.

بدین منظور، دستورالعمل ۲۱، درباره توسعه پایدار که حاصل کنفرانس سازمان ملل درباره محیط‌زیست و توسعه^۱ است، دستور کاری عملی برای سازمان ملل، دیگر سازمان‌های چندجانبه و دولت‌های سراسر جهان است که می‌تواند در سطح محلی، ملی و جهانی اجرا شود. ابزاری جهت نیل به اهداف توسعه پایدار باشد. بخش اول این سند، ابعاد اجتماعی و اقتصادی که معطوف به تصمیم‌گیری در رابطه با مبارزه با فقر به خصوص در کشورهای در حال توسعه می‌باشد، تغییر الگوهای مصرف، ارتقاء بهداشت، دستیابی به جمعیتی پایدارتر و سکونتگاه پایدار را در بر می‌گیرد؛ و در بخش دوم، حفاظت و مدیریت منابع برای توسعه که شامل حفاظت از جو، مبارزه با جنگل زدایی، حفاظت از محیط شکننده، حفاظت از تنوع زیستی و کنترل آلودگی می‌باشد را بیان داشته است و همچنین در بخش سوم به نقش گروه‌های عمده شامل کودکان و نوجوانان، زنان، سازمان‌های غیردولتی توجه ویژه داشته است؛ در نهایت در بخش چهارم ابزارهای اجرایی که شامل علم، انتقال فناوری، آموزش، نهادهای بین‌المللی و مکانیزم‌های مالی است را متذکر می‌شود (Agenda, 1992: 21).

اما نباید از نظر دور داشت که عکس‌العمل دولت‌ها در برابر این برنامه عملی متفاوت بوده است (Bradbrook, 2005: 257). ولی در این چشم‌انداز موردنظر دستور کار ۲۱، اهداف یادشده به صورت «مسئولیت مشترک اما متفاوت» دولت‌ها در خصوص حفاظت اکوسیستم جهانی، تلقی و پذیرفته می‌شود. افزون بر این، جملگی همه اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در جهت اثبات مفهوم توسعه پایدار هستند.

به عبارتی، توسعه پایدار به دنبال افزون‌بُعد «پایدار» به اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است (شمسایی، ۱۳۸۵: ۲۱). ما با بهره از این جمله، در رابطه با ارتباط مفهوم توسعه پایدار با اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، این‌گونه ارزیابی می‌کنیم که اصل CBDR با ایدئولوژی مسئولیت‌های متفاوت با توجه به سطح توسعه‌یافتگی دولت‌ها و ارائه استانداردهای متفاوت علی‌الخصوص در مسیر توسعه زیست‌محیطی و کمک به دولت‌های در حال توسعه، مسیر رسیدن به توسعه پایدار را برای دولت‌ها هموارتر می‌سازد؛ و در عمل، مفهوم توسعه پایدار به دنبال تلفیق تمایلات توسعه‌طلبانه دولت‌ها به هنگام انجام پروژه‌های توسعه‌ای خود با ضرورت حفاظت از محیط‌زیست است؛ و در تبیین رابطه این دو با یکدیگر باید بیان نمود، مفهوم توسعه پایدار و اصل CBDR بطور دوجانبه یکدیگر را تقویت می‌کنند تا دستیابی به اولویت‌های دولت‌های در حال توسعه ممکن گردد. وحدت این دو مفهوم مستلزم آن است که هرگاه توسعه به آسیب جدی محیط‌زیست منجر شد، اصول

¹ UNCED

دیگر حقوق بین الملل محیط زیست من جمله اصل احتیاطی و بازدارندگی و انصاف میان نسلی خود را نشان می دهند و وارد باب مسئولیت بین المللی خواهیم شد، لذا اصول حقوق بین الملل محیط زیست در اثبات مفهوم توسعه پایدار به کار می آیند.

معاهده ۱۹۹۲ تغییرات آب و هوایی تنها رژیم است که اصل CBDR را بطور همه جانبه به کار بسته است. هم در مکانیزم های اعمال شده و هم در توجیهات برای اعمال مسئولیت های متفاوت. همانطور که از بررسی پروتکل کیوتو برمی آید، مذاکرات تغییرات آب و هوایی همچنین روش های کار آمد برای معرفی مسئولیت های متفاوت که قبلاً دیده نشده است، ایجاد نمود. بدین صورت که در ماده (۳) بند (۱) پروتکل کیوتو بطور واضح اصل CBDR را در شرایط زیر به رسمیت می شناسد: «طرفین باید از سیستم آب و هوایی به نفع نسل های کنونی و آینده بشری، براساس عدالت و مطابق مسئولیت های مشترک، اما متفاوت و قابلیت های مربوطه، محافظت کنند». حال مسئولیت اصلی کشورهای توسعه یافته، کاهش گازهای گلخانه ای از جمله دی اکسید کربن می باشد. این در حالی است که براساس این پیمان کشورهای در حال توسعه هیچ الزامی برای کاهش فوری ندارند.

ماده (۴) معاهده ملل متحد در ارتباط با تغییرات آب و هوایی و ماده (۱۰) پروتکل کیوتو بر اساس تعهدات کلی است که اشاره خاصی به اصل CBDR دارد و این مواد بیان می دارد که طرفین معاهده باید مسئولیت های خود را با توجه قراردادن مسئولیت های مشترک اما متفاوت و اولویت های توسعه ای خاص منطقه ای و ملی و شرایط و اوضاع و احوال مربوطه، اعمال نمایند. مواد (۵) و (۶) این معاهده نیز مسئولیت های متفاوت ایجاد نمود. بر این اساس طرفین معاهده متعهد هستند تا آنجا که مناسب است مسئولیت هایی براساس تحقیقات، بررسی، آموزش و پرورش اتخاذ نمایند.

با دقت نظر در مفاد عملی معاهده در می یابیم که مبنای مسئولیت های متفاوت براساس ۴ مورد است: (۱) ظرفیت و سطوح متفاوت توسعه اقتصادی، (۲) سهم متفاوت در انتشار گازهای گلخانه ای، (۳) آسیب پذیری محیط زیستی (بالاخص در ارتباط با آن دسته که با اثرات مخرب تغییرات آب و هوایی، بیشترین آسیب پذیری را دارند) و (۴) آسیب پذیری اقتصادی (آن دسته تغییرات اقتصادی به دلیل اقدامات اتخاذ شده برای مقابله با تغییرات آب و هوایی کشورها). همانطور که گفته شد معاهده تغییرات آب و هوایی ملل متحد، حفاظت از محیط زیست را نگرانی مشترک بشریت می داند از آن جهت که در رابطه با تغییرات آب و هوایی کره زمین و تأثیرات منفی آن است. پاراگراف سوم مقدمه، سهم متفاوت در معضل آب و هوایی و توانایی های مربوطه برای حل آن را، مبنای مسئولیت های متفاوت قرار داده است.

به دنبال پذیرفتن مسئولیت‌های متفاوت، معاهده بیان می‌دارد که استانداردهای اعمال شده توسط تعدادی از کشورها ممکن است هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی بی‌مورد برای کشورهای دیگر به‌ویژه کشورهای در حال توسعه داشته باشد؛ و سپس کشورهای توسعه‌یافته را متعهد می‌نماید که اقدامات فوری اتخاذ نمایند و از طریق استراتژی همه‌جانبه، معضل تغییرات آب و هوایی را حل و فصل نمایند. نهایتاً مقدمه بیان می‌دارد حل این معضل ضروری است با توسعه اقتصادی و اجتماعی هماهنگ باشد و نیازهای اولویتی کشورهای در حال توسعه برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و از بین بردن فقر مورد توجه قرار گیرد.

بنابر این معاهده UNFCCC از طریق مکانیزم‌های متعددی شامل انعطاف‌پذیری در اعمال معاهده و مقررات هنجاری، استانداردها و چهارچوب زمانی متفاوت، مسئولیت‌های محض متفاوت، توجه خاص به نیازهای خاص هر یک از کشورها و فراخوان برای کمک بین‌المللی، اصل مسئولیت مشترک را در خود نشان می‌دهد؛ که به توضیح مختصر هر کدام از آنها خواهیم پرداخت.

۱) اصل CBDR در معاهده تغییرات آب و هوایی به شکل انعطاف‌پذیری در اعمال معاهده در مطالب قبلی توضیح داده شده است؛

۲) اصل مسئولیت مشترک به شکل مسئولیت‌های محض متفاوت: مسئولیت‌های متفاوت در ماده (۴) بخش (۲) معرفی شده است و اعلام می‌کند تعهدات خاص در رابطه با تغییرات آب و هوایی ضروری است توسط کشورهای توسعه‌یافته و آن دسته کشورهایی که کشورهای ضمیمه (۱) نامیده شده‌اند، اعمال شود. در حالیکه کشورهای در حال توسعه چنین مسئولیت‌هایی دارا نمی‌باشند؛

۳) اصل مسئولیت مشترک به شکل استانداردها و چهارچوب زمانی متفاوت: ماده (۱۲) در ارتباط با تبادل اطلاعات تصریح می‌نماید کشورهای توسعه‌یافته و ضمیمه (۱) باید عناصر اطلاعاتی را در ارتباطات‌شان درج نمایند و اینکه ضروری است این تعهد در یک برهه زمانی خاص انجام گیرد. در حالیکه کشورهای دیگر برهه زمانی گسترده‌تری برای فعالیت‌های ارتباطی خود خواهند داشت؛

۴) اصل مسئولیت مشترک به شکل مقررات کمک‌های بین‌المللی: ماده (۴) بخش‌های (۳)، (۴) و (۵)، تعدادی از مسئولیت‌هایی که توسط کشورهای توسعه‌یافته و آن دسته کشورهای توسعه‌یافته که در ضمیمه (۲) درج شده است، باید اعمال شود را فهرست‌بندی نموده است. این مسئولیت‌ها اساساً مربوط به فراهم نمودن منابع مالی ضروری و انتقال تکنولوژی و علم مربوطه به کشورهای در حال توسعه است تا آنها را قادر سازند با تغییرات آب و هوایی مقابله نمایند.

بخش ۹ این معاهده بیان می‌دارد طرفین معاهده ضروری است نیازها و شرایط خاص کشورهای کمتر توسعه‌یافته را از طریق سرمایه‌گذاری و انتقال تکنولوژی مورد توجه کامل قرار دهند.

اصل CBDR منجر به ایجاد مؤسسات ویژه‌ای برای تأمین مالی، تکنولوژیکی و سایر کمک‌های فنی، برای کشورهای در حال توسعه جهت کمک به اجرای معاهدات خاص آنها، شده است. بطور کلی فعالیت‌های تحت UNFCCC، واجد شرایط تأمین مالی از طریق صندوق محیط‌زیست جهانی^۱ هستند. با این وجود، مؤسسات مالی دیگری که مکمل برنامه‌های این صندوق و دیگر منابع هستند، ایجاد کرده است؛ نظیر صندوق ویژه کشورهای کمتر توسعه یافته^۲ (صادقی حریری، ۱۳۹۵: ۴۳).

در ماده (۱۱) معاهده تغییرات اقلیمی به این مکانیزم‌های مالی اشاره شده است. بدین صورت که در رابطه با مکانیزم مالی، صندوق محیط‌زیست جهانی را به عنوان مکانیزمی که توسط معاهده استفاده می‌شود می‌داند. این معاهده همچنین بیان می‌دارد کشورهای توسعه یافته این صندوق را فراهم می‌نمایند، به این منظور که کشورهای در حال توسعه از منابع مالی در ارتباط با اجرای معاهده از طریق کانال‌های دوجانبه، منطقه‌ای و چندجانبه بهره ببرند.

۴- تمهیدات جامعه بین‌المللی برای مقابله با تغییرات اقلیمی در جهت اهداف توسعه پایدار

اقتصاد و مدیریت مربوط به منابع زیست‌محیطی جهان بدلیل ارتباط خاصی که با گازهای گلخانه‌ای دارد، همواره از پیچیده‌ترین موضوعات در مجموعه مسائل مرتبط با پایداری محیط‌زیست و توسعه پایدار محسوب^{۹۳} می‌گردد. بازبینی و مروری که اخیراً در مورد روش‌های ارزیابی پتانسیل گرم شدن جهان و عواقب آن صورت گرفته است، درک بهتری از اعمال سیاست‌های مربوطه ایجاد کرده است. برآورد هزینه‌های اثر گلخانه‌ای در جهان و مهار غلظت گازهای گلخانه‌ای در تدوین خط مشی‌های بالقوه پیشگیرانه، فقط راهنمایی محدودی را عرضه می‌کند. بدین ترتیب تجزیه و تفکیک تفضیلی‌تر از جزء عوامل مختلف برای ایجاد روش‌های پیشگیرانه در مبارزه و مهار اثر گازهای گلخانه‌ای و به‌ویژه نقش خاص دی‌اکسید کربن بعنوان مهم‌ترین عامل آن ضرورت دارد. به همین دلیل سعی شده است در این بخش به روش‌هایی که در جهت اجرایی کردن مبارزه با تغییرات اقلیمی از طریق کاهش گازهای گلخانه‌ای به مدیریت اقتصادی در این زمینه در سطح بین‌المللی صورت گرفته است، پرداخته شود.

^۱ Global Environmental Facility (GEF)

^۲ LDCF

۴-۱- نقش سازمان ملل متحد در ابتکار عمل بیمه برنامه محیط‌زیست

ابتکار عمل بیمه که یک گزارش وضعیت و مشارکت چندین جانبه شرکت‌هایی است که توسط برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد پیگیری می‌شود ناشی از این آگاهی بود که صنعت بیمه در بخش امور مالی از آسیب‌پذیرترین بخش‌های متأثر از تحولات زیست‌محیطی است. تحولاتی مثل تغییرات اقلیم جهان که بیشتر حوادث شدید چون سیل و آبرفتگی سواحل را به همراه خواهد داشت. ابعاد بیمه مالکیت همانطوری که بیمه عمر و برخی از انواع دیگر بود (عباسپور، ۱۳۸۶: ۸۷).

تحولات بالقوه در سلامت و رفاه انسان (ناشی از شیوع امراض و افت بهداشت عمومی با افزایش دمای جهان) و مرگ و میر نیز پیامدهایی بر بیمه سلامتی و بیمه عمر در صنایع بیمه به همراه خواهد داشت. البته تنوع شرایط به صورتی منطقه‌ای با آثار و عواقب خاص خود و با میزان متفاوت نسبت به یکدیگر خواهد بود. ابتکار عمل بیمه در نظر گرفتن اصل احتیاط است بعنوان راهنما در چارچوب معاهده سازمان ملل متحد تغییرات اقلیمی سازمان ملل در ارتباط با کنترل انتشار آلاینده‌ها در سطح جهان. البته در این شرایط این صنعت بیمه خواهد بود که باید مشخص کند چه مواردی قابل بیمه خواهند بود. بالاخره صنعت بیمه علاوه بر یک گروه سرمایه‌گذاری مسئولیت اداره بلندمدت پس‌اندازها را نیز داراست. یعنی منافع مشترک بیمه‌گذار و بیمه‌شونده تلافی و همخوانی دارد و این شرایط یکی از شرایط کلیدی فرآیندهای توسعه پایدار محسوب می‌شود. امنیت برگشت سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت توسط برخورد اتخاذ شده توسط اعتباردهنده در رابطه با سیاست‌های زیست‌محیطی تعیین می‌شود. به نظر می‌رسد صنعت بیمه درک کرده که پیشگیری بهتر از درمان بوده و باتوجه به منابع تحت اختیار صنعت، صنایع بیمه می‌توانند نقش فعال‌تر و موثری را با پشتیبانی ابتکار عمل و انگیزه‌های اصلی در سیستم اطلاع‌رسانی و تحلیل‌های گرم شدن زمین در روند توسعه پایدار و شناسایی راه‌حل‌ها به نفع همه طرفین داشته باشند (Unep, 1996: 2).

۹۴

۴-۲- اقدامات سازمان جهانی حفاظت از محیط‌زیست^۱

سازمان جهانی حفاظت از منابع طبیعی یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شبکه‌های حفاظت از محیط‌زیست جهانی است. این سازمان اتحادی است متشکل از ۸۳ کشور، ۱۱۰ آژانس دولتی، بیش از ۸۰۰ تشکل غیردولتی و ۱۰ هزار دانشمند و کارشناس از ۱۸۱ کشور که به صورت مشارکت جهانی فعالیت می‌کنند. مأموریت اصلی این سازمان جهانی تحت تاثیر قرارداد، تشویق و ترغیب جوامع دنیا است تا علاوه بر حفظ تنوع زیستی، روند استفاده از منابع طبیعی را براساس معیارهای اکولوژیک متعادل کند. سازمان جهانی

¹ The International Union for the Conservation of Nature and Natural Resources

حفاظت از منابع طبیعی بر پایه یک سازمان چندفرهنگی و چندزبانی بنا شده است. این سازمان ۱۱۰۰ ستاد در ۴۰ کشور دنیا دارد و دفتر مرکزی این سازمان در کشور سوئیس است.

این سازمان در سال ۱۹۸۴ با عنوان اتحادیه بین المللی حفاظت از طبیعت^۱ به دنبال کنفرانس بین المللی در فرانسه بوجود آمد اما در سال ۱۹۵۶ به نام سازمان جهانی حفاظت از محیط زیست تغییر نام داد. تا هنگامی که ایده حفاظت از محیط زیست در دهه های گذشته با سعی و کوشش و در جهت حفظ منافع سیاسی انجام می شد، ملت ها تمایل کمتری برای همکاری با این سازمان داشتند.

حدوداً ۱۶ هزار گونه از حیوانات و گیاهان در خطر انقراض اند و بسیاری از اکوسیستم ها، تالاب ها، جنگل ها در حال انحطاط و تخریب هستند در حالی که ما می دانیم اکوسیستم های طبیعی منابعی با ارزش در اختیار انسان قرار می دهند. مهم ترین کارکردهای اکوسیستم کمک به کاهش فقر و افزایش فرصت های توسعه اقتصادی برای جوامع است. گسترش این تفکر نیازمند یکپارچگی در تصمیم ها و عملکردهای منطقه ای، ملی و بین المللی سیاستگذارها در همه رده ها و همچنین در رهبران اقتصادی است. سازمان جهانی حفاظت از منابع طبیعی^۲ به دنبال افزایش درک علمی فرصت هایی است که طبیعت در اختیار انسان قرار می دهد. اما این سازمان جهانی می داند این درک تنها از طریق راه های عملی چون همراهی دانشمندان، سیاستگذاران، رهبران اقتصادی و NGOها و تغییر ارزش های جهانی و نحوه استفاده از منابع طبیعی تحقق خواهد یافت. ۹۵

این سازمان از طریق حمایت و توسعه علوم جدید حفظ محیط زیست، استفاده این علوم در پروژه های بین المللی و برقراری ارتباط بین نتایج بدست آمده در تحقیقات با سیاست های منطقه ای، ملی و بین المللی از طریق گفت و گوی بین دولت ها و جوامع شهری و بخش خصوصی به دنبال حفظ محیط زیست است. اولویت برنامه فعلی سازمان جهانی حفاظت از محیط زیست (۲۰۰۵-۲۰۰۸) بازشناسی راه های امرار معاش - به خصوص برای فقرا - از طریق مدیریت پایدار منابع طبیعی است. این سازمان در پروژه هایش، مفهوم مدیریت اکوسیستم جهت حفظ تنوع زیستی و معیشت پایدار وابسته به منابع طبیعی مستقیم را بکار می برد و سازمان تلاش می کند تا اکوسیستم ها را مدیریت و بازسازی کند و همچنین نحوه زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم را بهبود بخشد. این سازمان به عنوان بزرگ ترین شبکه دانش زیست محیطی تاکنون به ۷۵ کشور برای حفظ منابع طبیعی و تدوین استراتژی های تنوع زیست محیطی کمک کرده است.

^۱ IUPN

^۲ IUCN

۴-۳- نقش بانک جهانی در تدوین برنامه‌هایی برای سرمایه‌گذاری در بخش تغییرات اقلیمی

از دهه ۹۰ میلادی بانک جهانی توجه بسیار جدی به مسائل محیط‌زیستی از جمله موضوع تغییرات اقلیمی پیدا کرده است. نه تنها خصوصیات و شرایط وام‌های ارائه شده غالباً دارای ابعاد حفاظت از محیط‌زیست می‌باشد، بلکه حتی شیوه حسابرسی زیست‌محیطی اغلب عملیات حسابداری طرح‌های بانک مورد استفاده قرار گرفته است.^۱ ریاست بانک جهانی پنج ابتکار عمل جدید بانک که از طریق آن سعی در جلب همکاری دولت‌ها (عمدتاً استقراض‌کننده و از جهان سوم) سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی خواهد داشت را به شرح زیر پیشنهاد می‌کند.

ما به دلیل پرهیز از اطاله کلام فقط به ذکر عناوین اکتفا می‌کنیم. این ابتکارات شامل ابتکارات در بخش‌های زیر است:

(۱) حفاظت از تنوع زیستی، (۲) تغییر اقلیمی، (۳) کاهش لایه اوزون، (۴) کوپرزایی، (۵) آب.

بانک تأسیس صندوق جبران کربن را به صورت قابل قبول از طرف امضاء کنندگان معاهده مربوط در سازمان ملل پیشنهاد نموده است که بانک به صورت روزمره پیامدهای بالقوه ناشی از مصرف انرژی را بر تغییرات اقلیمی جهان در رابطه با طرح‌های ارزیابی کرده و احتمالاً به کشورهای استقراض‌کننده، در جهت تأمین اعتبار برای استفاده از گزینه‌های دارای ملاحظات بیشتر زیست‌محیطی کمک بیشتری خواهد نمود (پی‌نینتی، ۱۳۸۵: ۲۸۴).

همین طور در اکتبر ۱۹۹۱، توافقنامه سه‌جانبه همکاری‌های اجرایی تحت پوشش صندوق تسهیلات جهانی محیط‌زیست مورد تصویب قرار گرفته و امضاء شد. این موافقتنامه، سازمان جی. ای. اف را رسماً تأسیس نموده و مسئولیت‌های هر یک از سازمان سه سازمان اجرایی آن را تعریف و مشخص کرد. برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد، برنامه توسعه سازمان جهانی ملل متحد و بانک جهانی ضمناً مدیریت جی. ای. اف را به عهده بانک جهانی گذاشتند.^۲

¹ World Bank, world development indicators database, 2006.

² World bank, Global Development Finance, Available at: www.worldbank.org

نتیجه‌گیری

تلاش‌های بشر، امروز باید بگونه‌ای سازماندهی شود که در عین استفاده از منابع مختلف جهت دستیابی به اهداف توسعه در زمینه‌های مختلف، به محدودیت منابع در کره زمین توجه کرده و از ایجاد آسیب به محیط زیست جلوگیری نماید و از این طریق شرایط تأمین اهداف توسعه پایدار را فراهم کند. به منظور دستیابی به توسعه پایدار به مفهوم برقرار کردن آشتی بین توسعه و حفاظت از محیط‌زیست، تدابیر و اقداماتی چون (استفاده از سازوکارهای آموزشی و فرهنگ‌سازی، تغییر الگوهای تولید و مصرف، مانند صرفه‌جویی در استفاده از منابع تجدیدنپذیر، استفاده از فناوری‌های سازگار با محیط‌زیست، استفاده بهینه از منابع، فقرزدایی و درنهایت تدابیر اقتصادی مانند ایجاد هماهنگی بین رشد اقتصادی و اثرات زیست‌محیطی، کمک‌های مالی بلاعوض در این زمینه در سطح داخلی و بین‌المللی) می‌تواند چاره‌جو باشد. تغییرات اقلیمی از جمله جدیدترین بحران‌های زیست‌محیطی در قرن حاضر است که حیات انسان را با تهدید مواجه ساخته است که ناشی از فعالیت‌های غیراصولی انسان برای دستیابی به توسعه است. از دهه ۸۰ توجه دانشمندان به انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از فعالیت انسان و خطرات آن جلب شد.

در حال حاضر اقداماتی که در پیمان‌های مقابله با تغییرات جوی پیش‌بینی شده براساس اصل اقدامات احتیاطی و پیشگیرانه است. این امر همراه با رقابت سیستم‌های سیاسی و اقتصادی دولت‌ها سبب شده که ۹۷ آنها بطور جدی حاضر به انجام اقدامات موثر و کافی به منظور برون‌رفت از این بحران نشوند. در نتیجه این مسئولیت برعهده سازمان‌های خصوصی و غیردولتی است تا با آموزش مردم زمینه را برای فشار بر دولت‌ها و شرکت‌های تولیدی جهت متعهد کردن آنها فراهم نمایند. کشورها از همان ابتدا آرمان‌هایی چون عدالت اقتصادی، برخورداری از حق توسعه، حاکمیت بر منابع طبیعی و همکاری شمال و جنوب در زمینه انتقال تکنولوژی در منابع مالی و عدم تبعیض در ایجاد تعهدات را عنوان اصول و راهنمای مذاکرات نام بردند. بسیاری از این اصول با تلاش‌های دولت‌ها طی این سال‌ها آمده است لیکن تجربه، چند سال مذاکرات حاکی از این است که وضعیت چندان بر وفق مراد نیست. در این خصوص کفایت، مانع تراشی‌های دول غربی در بخش مکانیسم‌های مالی، تأمین اعتبار پروژه‌ها، انتقال تکنولوژی و اجرای تعهدات‌شان اشاره کنیم. لذا مبالغه نیست اگر بگوییم آرمان‌های اولیه جهان سوم به حد کافی برآورده نشده است.

اگر توسعه پایدار را بعنوان یکی از موثرترین راه‌ها برای حل این بحران بپذیریم، به این نتیجه می‌رسیم که جامعه بین‌المللی ناگزیر از پذیرفتن توسعه پایدار بعنوان یک اصل می‌باشد که آن را باید در رابطه با تمامی اقداماتی که در راه حل این بحران زیست‌محیطی انجام می‌دهد سرلوحه برنامه‌هایش قرار دهد.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- امیرارجمند، اردشیر (۱۳۷۲)، «حقوق بین‌الملل و اندیشه عدالت»، **مجله تحقیقات حقوقی**، ش ۱۲-۱۱.
- ۲- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۸۱)، «حقوق بین‌الملل در تکاپوی ارزش‌های خود: صلح، توسعه و دموکراسی»، **مجله تحقیقات حقوقی**، ش ۳۶-۳۵.
- ۳- پوراصغر سنگاچین، فرزام (۱۳۹۴)، «اهداف توسعه هزاره (MDG) و اهداف توسعه پایدار (SGD)»، **ماهنامه علمی و فرهنگی کار و جامعه**.
- ۴- پی نینتی، کریشنا راتو (۱۳۸۵)، **توسعه پایدار، اقتصاد و سازوکارها**، مترجم: احمد رضا یآوری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵- ساعد، نادر (۱۳۸۴)، **حقوق و نظام عدم‌گسترش سلاح‌های هسته‌ای**، تهران: انتشارات شهردانش.
- ۶- شمسایی، محمد (۱۳۸۵)، «حقوق بین‌الملل اقتصادی و اصل توسعه پایدار»، **پژوهش حقوق و سیاست**، ش ۱۹.
- ۷- شهبازی، آرامش (۱۳۸۹)، «توسعه پایدار یا پایداری توسعه»، **مجله حقوقی بین‌المللی**، ش ۴۲.
- ۸- صادقی حدیدی، مهتاب (۱۳۹۵)، «مقدمه‌ای بر دانش تغییر اقلیم و چهارچوب‌های حقوقی و بین‌المللی کنوانسیون»، **دفتر ملی تغییرات آب و هوا**، قابل دسترسی در <http://climate-change.ir>
- ۹- طلائی، فرهاد (۱۳۹۰)، «بررسی حقوق و تعهدات دولت‌ها در چارچوب حقوق بین‌الملل انرژی با تاکید بر رابطه میان انرژی و توسعه»، **محیط‌زیست و حقوق بشر در حقوق انرژی، نخستین همایش ملی**، به اهتمام الهام امین‌زاده، انتشارات دادگستر.
- ۱۰- عباسپور، مجید (۱۳۸۶)، **انرژی محیط زیست و توسعه پایدار**، تهران: موسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف.
- ۱۱- عبداللهی، محسن (۱۳۸۹)، «اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، **فصلنامه پژوهش حقوق**، س ۱۲، ش ۲۹.
- ۱۲- مولدان، بدریچ و بیلهارز، سوزان (۱۳۸۱)، **شاخص‌های توسعه پایدار**، مترجم: نشاط حداد تهرانی و ناصر محرم نژاد، انتشارات سازمان حفاظت از محیط‌زیست.
- ۱۳- هوهن، فلدرن (۱۳۸۴)، **آیگناس زایدل، حقوق بین‌الملل اقتصادی**، مترجم: سید قاسم زمانی، تهران: شهر دانش.

لاتین:

- 14- Agenda 21. (1992). United Nations Conference on Environmental and Development (UNCED).

- 15- Atmanand, A. K. (2009). "Gupta, Energy and Sustainable Development-An Indian Perspective, World Academy of Science". *Engineering and Technology*. Vol. 54.
- 16- Bradbrook A. J., Lyster R., Ottinger R. (2005). *The Law of Energy for Sustainable Development*. First Published. New York: Cambridge University Press.
- 17- Bradbrook, A. J. and others (2016). *The Law of Energy for Sustainable Development*. University of London Press.
- 18- Cao, Mingde (2006). "The Current and Future Trends in Chinese Environmental and Energy Law and Policy". *Pace International Law Review*. Volume.18. Issue.1.
- 19- Drexhage, John and Murphy, Deborah (2010). *Sustainable Development: From Brundtland to Rio 2012*, Background Paper Prepared for Consideration by The High Level Panel on Global Sustainability at Its First Meeting.
- 20- IAEA. (2000). Maintaining and increasing the overall assets Available to future generations Nuclear Power and Sustainable Development.
- 21- IISD REPORT FEBRUARY (2012). Harnessing the Power of Public-Private Partnerships ii. Acknowledgements. In addition to the many conversations.
- 22- ILA Res.3/2002, *New Delhi Declaration On Principles of International Law Relating to Sustainable Development*, 2 Int'l Env'tl. Agreements: Politics, Law and Econ. (2002), p.211. Available at <http://www.CISDL.Org/Pdf/Iladeclaration.Pdf>
- 23- Fiore, K. & Nuclear, P. (2002). *Sustainability: The Challenges of the International ITER Project*, Economic Analysis Centre. Paul Cézanne University. France.
- 24- Maniruzzaman, A. F. M. (2012). "International Development Law as Applicable Law to Economic Development Agreements: A Prognostic View". *Wisconsin International Law Journal*. Vol. 20. No.1.
- 25- Ministerial Declaration, Ministerial Conference - Fourth Session, Doha, Qatar (14 November 2001), Wto Doc. Wt/Min (01)/Dec/W/1, At Para 6. P. 65.
- 26- Nuttall J. William (2003). *Provision of Sustainable Energy: Nuclear Energy*. MPhil in Technology Policy. University of Cambridge.
- 27- Laitos, G. Jan and Tomain, P. Joseph (1992). *Energy a Natural Resources Law*. West Publishing Company.
- 28- Our Common Future: Report of the World Commission on Environment and Development, Chapter 2: Towards Sustainable Development, From A/42/427.
- 29- Paraschivescu, Viorica and Carmen Elena Radu (2011). "The Right to Environment". *Ces Working Papers*. Vol. III. No.1.
- 30- Sands Qc و Philippe (2003). *Principles of International Environmental Law*. Second Edition. Cambridge University Press.
- 31- Second Preparatory Committee Meeting for the World Summit on Sustainable Development (2002). International Sustainable Development Law: Principles, Practice & Prospects, New York, 28 January to 8 February.

- 32- Steger, U. (2005). *Sustainable Development and Innovation in the Energy Sector*. Springer.
- 33- Strange, Tracey and Bayley, Anne (2008). *Sustainable Development, Linking Economy, Society, Environment, Organization for Economic Co-Operation and Development*.
- 34- Subedi, S.P. (2006). *International economic law Section A: Evolution and principles of international economic law*. University of London Press.
- 35- Sucharitkul, S. (1991). *The Nature and Sources of International Development Law, International Sustainable Law Development*. Golden Gate University. Vol.1.
- 36- Taeb, B. (2011). *Ethics of Nuclear Power: How to Understand Sustainability in the Nuclear Debate*. Delft University of Technology. Netherlands.
- 37- Unep (1996). *Unep insurance Initiative position paper on climate change*. Geneva: Unep environment and trade unit.
- 38- Wang, Y. & Lobstein, T. (2006). *Worldwide trends in childhood overweight and obesity*. National Center for Biotechnology Information.

